

بررسی تطبیقی کارکردهای تکواژ «What» در زبان انگلیسی و «ما» در زبان

عربی

علی اسودی *

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵)

چکیده

این پژوهش به بررسی مضامین کاربردهای زبانی «ما» در زبان عربی و تطبیق آن با کاربردهای آن در زبان انگلیسی با معادل «What» می‌باشد. همچنین، این پژوهش بر آن است که جوانب مشترک در به‌کارگیری این دو تکواژ در موقعیت‌های «استفهام»، «موصول» و «تعجب» را تبیین کند و موارد اختلافی این واژه در دو زبان عربی و انگلیسی را در دو محور کاربردی و ترکیبی بیان کند. این پژوهش نشان می‌دهد برخی از مشکلاتی که دانشجویان در یادگیری این مفهوم دارند، با این تطبیق مرتفع می‌شود؛ چراکه ایشان در معادل‌یابی درست و تطبیقی مفاهیم این دو تکواژ، بعضاً به علت درک نادرست، دچار ابهام یا اشتباه می‌شوند. در پایان نیز به وجوه اشتراک و اختلاف دو تکواژ اشاره شده‌است و راه حل عملی و تطبیقی در این راستا ارائه گردیده‌است.

کلیدواژه‌ها: تکواژ «ما»، تکواژ «What»، ماذا، کاربرد تطبیقی.

۱. مقدمه

اصطلاح پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی (The Comparative Studies of Linguistics) به پژوهش‌هایی اطلاق می‌شود که موارد شباهت و اختلاف میان دو زبان یا بیش از آن را بررسی نماید؛ چراکه هر زبان به یک مجموعه نموداری خاص و متفاوت از زبان دیگر بازمی‌گردد و این نوع از پژوهش‌های زبانی معمولاً در محورهای آواشناسی، صرف، ترکیب و دلالت نمود پیدا می‌کند.

پیدایش این پژوهش‌ها اصولاً به نیمه دوم قرن بیستم بازمی‌گردد که جنبش‌های آموزش زبان‌های خارجه در جهان‌های غرب شدت گرفت و از مهم‌ترین پیشگامان آن، برخی استادان دانشگاه میشیگان آمریکا، همانند فریز ولادو هستند و این جنبش‌های علمی، بر ضرورت بررسی پژوهش‌های تطبیقی میان زبان‌های مختلف تأکید می‌کند (ر.ک؛ ابوالرب، ۲۰۰۵ م: ۱۶۶).

این پژوهش در راستای این مهم نوشته شده تا تطبیق میان «ما» و «مادا» و واژه «What» در زبان انگلیسی را بررسی کند؛ چراکه این مفهوم در همه زبان‌ها کاربرد شایسته توجیهی دارد؛ مثلاً در زبان انگلیسی و در نمایشنامه هملت، نمودهای بسیاری از دلالت واژه «What» را می‌توان یافت (ر.ک؛ شکسپیر، بی‌تا: ۷).

در زبان عربی نیز شعر جاهلی در شکل‌های مختلف کاربردی خود به‌وفور استفاده می‌شود و این نشان از استفاده گسترده از این مفهوم در دو زبان می‌باشد. همچنین، در زبان فارسی معادل این واژه، کاربردهای بسیاری در ادبیات خود دارد که می‌توان نمودهای مختلف آن را در منابع و کتاب‌های مهم ادبیات فارسی یافت. اگر به فرهنگ لغت/مورد مراجعه کنیم، درباره واژه «What» این ترجمه را می‌یابیم: «ما: huwt, What Prone., Adj., Adv., Conj: Interj. (بعلبکی، ۱۹۹۸ م: ۱۰۵۷).

درباره جزئیات کاربرد زبانی معادل What ممکن است مصداق‌های متفاوت‌تری پیدا بکند، اما از جمله موارد استفاده مشابه از دو واژه در دو زبان عربی و انگلیسی، «استفهام»، «تعجب» و «موصولی» است و از جمله موارد اختصاصی عربی، «استفاده در موقعیت‌های نفی و مصدری» اشاره کرد. بنابراین، شناسایی و رصد جوانب مشترک و مختلف دو واژه می‌تواند در فرایند آموزش زبان، کاربردی باشد. اما مهم‌ترین اهدافی که از این پژوهش در پی آن هستیم، عبارتند از:

۱- کاربردهای زبانی «ما»ی استفهامی و «What» در دو زبان و وجوه اختلاف و مشابهت آن‌ها.

۲- پسوندهای الحاقی به این دو واژه در دو زبان و میزان اثر آن در ارائه معانی جدید.

۳- ارائه روشی کاربردی در فرایند آموزش ادوات استفهام و تطبیق آن در دو زبان.

۲. پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. وجوه شباهت دو تکواژ «What» و «ما»ی استفهامی در چیست؟

۲. وجوه اختلاف این دو تکواژ مشخصاً در چه مواردی است؟

۳. آیا از رهاورد این تحقیق و تطبیق میان دو تکواژ در دو زبان عربی و انگلیسی می‌توان در فراگیری مفهوم مشترک آن‌ها یاری جست؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

۱. بدون شک وجوه اشتراک زیادی میان دو زبان عربی و انگلیسی برای سه مفهوم «استفهام»، «تعجب» و «موصول» هست.

۲. در مواردی این مفهوم در دو زبان، یک‌انگاری در برابر چندانگاری و یا حتی معادلی متفاوت می‌باشد.

۳. بررسی تطبیقی این دو تکواژ در آموزش زبان نقش کاربردی و مثبتی خواهد داشت.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از منابع مرتبط با دستور زبان انگلیسی و آموزش زبان عربی به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌است و از روش‌های بنیادی و کاربردی نیز استفاده کرده‌است.

۵. کاربردهای مشابه دو واژه «ما» و «What»

۵-۱. استفهام

۵-۱-۱. «ما» و «ماذا»ی استفهامی در زبان عربی

در کتاب شرح المفضل، واژه «ما»ی استفهامی چنین معرفی می‌شود: «مای استفهامی، کلمه‌ای است که برای مفهوم موصولی و توصیفی به کار نرود و در واقع، هدف از آن،

پرسش از ذات و وجود غیرعاقل است؛ مانند آیه کریمه ﴿وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾ (طه/ ۱۷) «ابن یعیش، ۲۰۰۲ م، ج ۲: ۱۴۶). همچنین، این آیه شریفه ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ (الأنبياء/ ۵۲) (ر.ک؛ همان) که در آیه نخست، حرف «ما» مبتدا و مرفوع است و به معنی «چه چیزی» می‌باشد و در آیه دوم، «ما»ی استفهامی به معنی «چیست» است.

«ما»ی استفهامی معمولاً در زبان عربی برای سؤال از وجود غیرعاقل و یا صفات انسان به کار می‌رود. مثال برای کاربرد نخست، عبارت «ما هذا» که در جواب آن گفته می‌شود: «هذا كتاب» و مثال برای کاربرد دوم، این سؤال است: «ما شكل زيد» که در جواب گفته می‌شود: «هو وسيم» (ر.ک؛ ابن یعیش، ۲۰۰۲ م، ج ۲: ۱۴۶).

«ما»ی استفهامی در زبان عربی شکل ثابتی همچون انگلیسی ندارد، ولی در زبان عربی، آن هنگام که حرف جرّی بر آن وارد شود، ممکن است تغییر کند؛ چراکه مفاهیمی همچون «چرا»، «به چه وسیله‌ای»، «از چه چیزی» و «تا کی» و معادل‌های آن در زبان عربی، با حذف الف «ما»ی استفهامی به دست می‌آید و عبارتند از: «بِمَ»، «فِيمَ»، «لِمَ»، «عَمَ»، «حَتَامَ» و «إِلَامَ»؛ مانند آیه ﴿فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذُكْرَاهَا﴾ (النازعات/ ۴۳) و آیه ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ (النباء/ ۱). همچنین، ممکن است برخی اوقات «هَاءِ سَكْتِ» به جای الف محذوف اضافه شود و گفته شود: «لِمَه، فِيمَه» (ر.ک؛ حمید البیاتی، ۲۰۰۳ م: ۳۳۱).

اما به نظر می‌رسد که اگر ما به مقوله آواشناسی نگاهی دقیق داشته باشیم، مشخص می‌شود که به دلیل ورود این حروف بر سر «ما»ی استفهامی و دادن معنایی جدید به آن باید این حروف ظهور و بروز معنایی خود را نشان دهند و وجود الف در «ما»ی استفهامی مانع این مطلب است؛ مثلاً اگر می‌خواهیم بگوییم «اسمت چیست؟»، می‌گوییم «ما اسمک؟». اما اگر بخواهیم بگوییم «چرا رفتی؟» (برای چه رفتی؟)، حرف لام که تعلیل را نشان می‌دهد، غلبه پیدا می‌کند و الف حذف می‌شود تا این مفهوم بیان شود.

همچنین، چنانچه «ما»ی استفهامی در موقعیت مفعولی و یا فاعلی با ساختار ذیل به کار رود، باید از «ماذا» به جای «ما» استفاده کرد؛ یعنی: «ماذا + فعل». این پرسش، بیشتر در مقام سؤال از مفعول غیرعاقل به کار می‌رود؛ مانند: «ماذا أكلت؟» و آیه شریفه ۲۱۵ سوره بقره که می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ﴾. دکتر سناء البیاتی مهم‌ترین معانی «ما»ی استفهامی در زبان عربی را به شرح ذیل بیان می‌کند:

۱- تعظیم و ترساندن؛ مانند: ﴿الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ﴾ (الحاقه / ۲-۱).

۲- انکار؛ مانند: آیه ﴿فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا﴾ (النازعات / ۴۳).

۳- کوچک شمردن؛ مانند: «مَا زَيْدٌ وَ مَجَالِسَةُ الْعُلَمَاءِ».

۴- استعطاف و درخواست عطوفت؛ مانند این قول شاعر عربی:

«ماذا تقول لأفراخ بذي مَرخٍ حُمُر الحواصل لا ماءٌ و لا شجرٌ»

(حطیئة، ۲۰۰۵ م: ۶۶).

ولی به نظر می‌رسد که معانی دیگری نیز می‌توان بر این معانی افزود؛ همچون موارد

ذیل:

۱- دعوت به غذا و نوشیدن؛ مانند: «مَا رَأَيْكَ بِكُوبٍ مِنَ الشَّيْءِ؟».

۲- پیشنهاد انجام یک کار و کنش؛ مانند: «مَا رَأَيْكَ فِي الذَّهَابِ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ؟».

۳- درخواست یک اطلاعات و استفسار؛ مانند: «مَا الْحِكْمَةُ مِنَ الصُّومِ فِي رَمَضَانَ؟».

۴- درخواست توضیح یا تکرار؛ مانند: «لَمْ أَنْتَبِهْ مَاذَا تَقُولُ؟».

۵- تعجب و غریب پنداشتن؛ مانند عبارت: «ما جلوسك والناس ذاهبون!».

۱-۲. واژه «What» استفهامی

همان گونه که در انگلیسی تعریف می‌شود، این واژه ادات استفهامی برای پرسش از اشیاء (Things) است. (Thomson & Martinet, 2003: 22) و معادل کلمه (Things) در زبان عربی دقیقاً «ما»ی استفهامی می‌شود که برای غیرعاقل به کار می‌رود؛ مانند:

What is your address?	=	ما عنوانک؟
-----------------------	---	------------

استفهام با واژه «What» تنها برای غیرعاقل به کار نمی‌رود، بلکه ممکن است در سؤال از صفت یا متعلقات یک عاقل نیز به کار می‌رود، همانند آنچه که در «ما»ی استفهامی گذشت؛ مثلاً:

What is he?	=	What is his profession?
-------------	---	-------------------------

(Geofrey & Locke, 2002: 281)

اما با توجه به اینکه لواحق و پسوندهای الحاقی به تکواژ «What» شکل‌های دیگری از آن در زبان انگلیسی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

1. What + Proposition

در آن یک حرف پس از What استفاده می‌شود؛ مانند این مثال:

- I am going to write a letter. What for? (Or: What about?)

2. What + If

این الگو برای دو منظور زیر به کار می‌رود:

الف) شناختن نتیجهٔ اتفاقی فرضی و معین؛ مانند:

- What If it rains while we are a long way from the house?
- What if the predicting be true?

ب) دادن یک پیشنهاد یا درخواست برای کاری معین؛ مانند:

- What if we all go for swimming?
- What if you stay a bit longer?

3. What + be ...+ like

برای فهمیدن صفت عاقل و غیرعاقل به کار می‌رود؛ مانند:

- What was the weather like? It was very hot.

به طور خلاصه، مهم‌ترین مفاهیم و دلالت‌هایی که What در مفهوم استفهام بیان

می‌کند؛ عبارتند از:

۱. سؤال از فاعل غیرعاقل؛ مانند:

- What happen to you for last night? (Raymond, 2012: 96).

۲. ابراز شگفتی و ناباوری؛ مانند:

- What! You shot him.

۳. سؤال از مفعول غیرعاقل؛ مانند:

- What did you buy? What do you do?

۴. پیشنهاد یا دعوت به خوردن یا آشامیدن:

- What about having drink? (Geoffrey & Suratvik, 2002: 168).

۵. درخواست تکرار و توضیح؛ مانند:

- He is an engineer. What he? (Or: He is what?)

۶. فهمیدن یک اطلاعات و داده و معرفی آن به صورت علمی و دقیق؛ مانند:

- What is the ocean? What is the Religion?

۷. سؤال از زمان؛ مانند:

- What time is it?

۸. تفسیر معنای یک کلمه؛ مانند:

- Or: What is the meaning of "pretty"? What does 'pretty' mean?

۳-۱-۵. نتیجه

در زمینهٔ استفهام دو واژهٔ «ما» و «What» دارای جوانب کاربردی مشترک و مختلف

ذیل می‌باشند:

۱. دو تکواژ صدارت طلب هستند.
۲. واژه «What» در زبان انگلیسی در همهٔ زبان‌ها ثابت است، اما واژهٔ استفهامی «ما» در صورت ورود حرف جرّ بر سرش، الف آن حذف می‌شود؛ مانند: «بیم، فیم».
۳. هر دو واژه برای سؤال از غیرعاقل (Things) استفاده می‌شوند.
۴. معادل واژهٔ «What» در زبان عربی دو مصداق دارد: «ما/ ماذا»یی که در مثال‌های ذیل نمود آن تبیین می‌شود:

معادل انگلیسی	معادل عربی
What is your name?	ما اسمک؟
What is the meaning of 'pretty'?	ما معنی "Pretty"؟
What does 'pretty' mean?	ماذا تعنى "Pretty"؟
What is the ocean?	ما المحيط؟
What did you buy yesterday?	ماذا اشتريت بالأمس؟
What was his father?	ماذا كان أبيه؟
What time do you go to school?	ما وقت ذهابك للمدرسه؟

به نظر می‌رسد واژهٔ استفهامی «ماذا» زمانی به کار می‌رود که در زبان عربی جملهٔ استفهامی یک فعل اصلی داشته باشد (نه فعل to be) به دلیل ایجاد نوعی تمایز بین «ما» (نفی) و استفهامی؛ چراکه وجود یک «ما» قبل از فعل، ابهام منفی بودن آن را هم ایجاد می‌کند؛ مثلاً اگر بخواهیم بگوییم «چه خوردی؟» و از عبارت «ما تناولت؟» استفاده کنیم، مخاطب گمان می‌کند، قصد شما نفی است، حال اینکه باید بگوییم: «ماذا تناولت؟».

۲-۵. کاربرد موصولی

۲-۵-۱. «ما»ی موصولی

موصول در زبان عربی با اسامی مشخصی استفاده می‌شود که ابن هشام در قطر الندی چنین تعریف کرده‌است:

«اسامی موصول از جمله اسامی معرفه می‌باشند که نیازمند به یک جملهٔ صله و عائد صله می‌باشد و به دو دسته تقسیم می‌شود: موصولات خاص و موصولات مشترک. اما موصولات خاص عبارتند از: الذی، اللذان، اللذین... و

موصولات مشترک عبارتند از: ما، مَنْ و... که این موصولات مشترک برای مفرد و جمع به صورت یکسان به کار می‌روند» (ابن هشام، ۱۹۹۷م: ۸۲). اما در کتاب *أوضح المسالك*، تقسیم‌بندی دوم به شکل دیگری آمده است. با دو عنوان حرفی و اسمی و هنگامی که صاحب این کتاب درباره «ما»ی موصوله چنین سخن می‌راند که «آن برای غیرعاقل به کار می‌رود»؛ مانند: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ﴾ (النحل / ۹۶). سپس ابن هشام بازبینی مجددی در سخن خویش انجام داده است و می‌گوید: «اما برای عاقل نیز به کار می‌رود؛ مانند آیه ﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (الحشر / ۱) و آیه ﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾ (النساء / ۳) و نیز «ما»ی موصوله برای موضوعی مبهم به کار می‌رود؛ مانند کسی که شب‌چی را دیده است و می‌گوید: «أَنْظُرْ إِلَى مَا ظَهَرَ» (ابن هشام، ۱۹۸۴م، ج ۱: ۹۲). اما زمخشری در شرح مفصل چنین آورده است: «برخی معتقدند "ما"ی موصوله به معنی "من" موصوله به کار می‌رود و به نظر می‌رسد حمل بر صفت می‌شود؛ یعنی اینکه "ما" موصوله می‌تواند برای صفت عاقل به کار رود» (ابن یعیش، ۲۰۰۲م، ج ۲: ۱۱۰). اما به نظر می‌رسد آنچه عباس حسن در کتاب *الوافية* آورده است، نزدیکتر به صواب باشد که آورده است: استفاده از «ما»ی موصوله برای عاقل در سه موقعیت است:

۱. وقتی که عاقل با غیرعاقل با هم ترکیب شوند و از باب غلبه غیرعاقل به دلیل کثرتش «ما» استفاده می‌شود؛ مانند آیه ﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (الحشر / ۱).

۲. زمانی که دو چیز همزمان مورد توجه قرار گیرند (ذات عاقل).

۳. برخی از صفات عاقل؛ مانند عبارت «أَكْرِمَ مَا شِئْتَ مِنَ الْمُجَاهِدِينَ وَالْأَحْرَارِ».

۴. چیزی که امر و جایگاهش مبهم است؛ خواه انسان و خواه غیر انسان و یا مذکر و یا مؤنث؛ مانند سخن همسر عمران که فرمود: ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي﴾ (آل عمران / ۳۵) (ر.ک: عباس، بی تا، ج ۱: ۳۵۱).

جایگاه ترتیبی «ما»ی موصوله نسبت به «ما»ی استفهامی متفاوت است، چون «ما»ی استفهامی صدارت طلب است، اما «ما»ی موصوله جایگاه متغیری دارد که می‌تواند در ابتدای جمله یا در وسط جمله به کار رود که از نوع اول می‌توان به آیه ﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (النحل / ۵۳). نوع دوم نیز در زبان عربی به وفور یافت می‌شود؛ مانند:

«ستبدی لك الأيام ما كنتَ جاهلاً ویأتیک بالأخبار ما لم تزود»
(طرفة بن العبد، بی تا: ۳۸).
«إذا قالت حذام فصدّقوها فإنّ القول ما قالت حذام»
(ابن یعیش، ۲۰۰۲ م، ج ۱: ۲۲۲).

۵-۲-۲. واژه What موصولی

این واژه بنا بر آنچه کتاب‌های گرامر انگلیسی این چنین تعریف می‌شود: the thin that یا the things that به کار می‌رود؛ مانند: What we saw astonished us (Thomson & Martinet, 2003: 33). بنابراین، شکل اول «ما» موصوله عربی مصداق این کاربرد می‌باشد و کاربرد دوم، یعنی استفاده کردن از «ما»ی موصوله در وسط جمله، در زبان انگلیسی که به صورت جمله‌واره موصولی استفاده می‌شود، با معادل Which بیان می‌شود؛ مثال:

○ I bought a book which help a lot.

چه بسا ابهامی که بعد از آمدن یک فعل اصلی پس از واژه What ایجاد می‌کند، مانع از آن شده که به عنوان ادات ربط میان دو جمله استفاده شود؛ چراکه واژه «فعل اصلی + What» در زبان انگلیسی بیانگر استفهام است، اما واژه (فاعل + What)، فعل استفهامی می‌باشد.

۵-۳. جایگاه واژه «What» موصولی در جملات انگلیسی

واژه «What» در زبان انگلیسی باید در صدر جمله قرار گیرد؛ مانند:

○ What we need is more powerful word-processors (Downing & Locke, 2006: 208).

از همین روی است که واژه «What» در زبان انگلیسی می‌تواند برای عنوان فصول و ابواب استفاده شود؛ مانند:

○ What to do in case of fire?

در عربی نیز معادل آن، «ما»ی موصوله صدارت طلب می‌شود و ترجمه آن عبارت این چنین است: «ما تحتاج إليه حين نشوب حریق».

۴-۵. What استفهامیه با لواحق

در زبان انگلیسی، کلمه «What» موصولی با لواحق ذیل استفاده شده است:
(«Whatever») و («What so ever»). دو مثال ذیل نمونه‌ای برای این کاربردهاست:
○ Whatever problems you have, you can always come to me for help.
اگر به دنبال معادلی دقیق برای این مفهوم در زبان عربی باشیم، کلمه «مهما» بهترین معادل آن می‌باشد. بنابراین، ترجمه عبارت مذکور به زبان عربی می‌شود: «مهما كانت عندك من مشاكل يمكنك عن تأطینی أساعدتك».
چنانچه عبارت («What ever») در وسط جمله قرار گیرد، بهترین معادل آن در زبان عربی «ما»ی موصوله می‌باشد؛ مانند:

Prisoners have to eat whatever they are given.

المساجین مجبرون علی أن یأكلوا ما یقدم إلیهم.

۵-۵. کاربردهای واژه «What» موصولی در زبان انگلیسی

۱. واژه «What» موصولی در زبان انگلیسی کاربردهای مشخصی دارد که عبارتند از:
الف) تأکید بر موضوعی معین در جمله؛ مانند:
What we all need is a holiday.
این بدین معناست که «تنها چیزی که نیاز داریم، تعطیلات است» و معادل آن «ما»ی موصوله می‌باشد؛ مانند: «ما نحتاجه جميعاً العطلة».
ب) تأکید بر رخدادی معین که مختص متکلم است؛ مانند:
○ What hurts is my left leg.
ج) تمیز اشیای مفید از غیرمفید که معادل آن هم «ما»ی موصوله است؛ مانند: «ما یقوله عديم الجدوی»:
○ What he says is not important.
د) مقایسهٔ اتفاقی معین با اتفاقی دیگر که معادل عربی آن نیز «ما»ی موصوله است؛ مانند:
○ These events are worse than what we faced last year.

۶-۵ نتیجه

در بررسی تطبیقی واژه «ما»ی موصولهٔ عربی و واژه «What» انگلیسی می‌توان گفت:
۱. هر دو واژه برای غیرعاقل استفاده می‌شود (Things).

۲. تفاوت واژه تکواژ «ما»ی موصوله با «What» موصولی در آن است که «ما»ی موصوله در عربی ممکن است، برای عاقل به کار رود، مخصوصاً زمانی که مربوط به صفت عاقل یا متعلقات عاقل باشد، اما در زبان انگلیسی این اتفاق نمی‌افتد.
۳. به «ما»ی موصوله چیزی ملحق نمی‌شود، اما واژه «What» در زبان انگلیسی لواحقی دارد که عبارتند از: ever, so, ever.
۴. هر دو مصداق «ما» و «What» موصولی می‌توانند در ابتدا و در وسط جمله به کار روند.
۵. هر دو مصداق در ساختن عنوان‌های فصول و ابواب کتاب استفاده می‌شود که در این هنگام در صدر جمله می‌آیند.
۶. کاربردهای واژه «What» موصولی معادل عربی آن، «ما»ی موصولی است.

۶. تکواژ «What» و «ما»ی موصولی در مقام تعجب

تعجب در زبان عربی دو ساختار متعارف دارد که عبارتند از: نخست، «ما أفعله» و دوم «أفعل به»، مانند: «ما أحسن زیداً أحسن بزید» (ابن عقیل، ۱۹۹۲م، ج ۲: ۱۲۹) و در زبان عربی، فلسفه تعجب تنها درباره صفات اتفاق می‌افتد و به همین روی، تعجب از خداوند تعالی و تبارک جائز نیست؛ چراکه صفات - جل جلاله - دارای نقصان و افزایش نمی‌شود و نمی‌باشد (ر.ک؛ ابن عصفور، ۱۹۸۹م، ج ۱: ۱۲) و در کتاب *أوضح المسالك*، «ما»ی تعجیبیه را اسم دانسته‌اند و علما اجماع دارند که آن مبتدأست و کلمه نکره تامه می‌باشد، به معنی شیء می‌باشد (ر.ک؛ ابن هشام، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۴۳) که شرایط خاصی را برای ساختن *أفعل تعجب* بیان می‌کنند (ر.ک؛ غلابینی، ۱۹۹۵م، ج ۱: ۶۶).

اما «What» به معنی تعجب بسیار ساده ساخته می‌شود که با دو ساختارهای ذیل بیان می‌شود:

1. What + a/an + noun: What a beautiful flower!
2. What +noun: What beautiful flower!

۷. نتیجه

- در بررسی تطبیقی «What» و «ما»ی تعجیبی نکات ذیل ملاحظه شد:
۱. از نظر ساختاری، مطابقت کامل میان تکواژ «What» تعجیبی و «ما»ی تعجب عربی وجود دارد.
 ۲. هر دو مصداق («What» و «ما»ی تعجیبی) از نظر رتبه جمله در صدر جمله قرار می‌گیرند.

۳. در ساختار انگلیسی، برخی اوقات a و یا an پیش از متعجب‌منه اضافه می‌شود.
۴. در هر دو زبان، این واژه بدون تغییر با جنسیت و عددهای مختلف استفاده می‌شود.
۵. در هر دو زبان، حتماً چیزی که از آن تعجب حاصل می‌شود، صفت است (adj.).
۶. هیچ چیزی میان تکواژ «What» تعجب و متعجب‌منه فاصله ایجاد نمی‌کند، اما در زبان عربی، برخی اوقات «کان» زائده بین «ما»ی تعجب و «أفعل تعجب» فاصله ایجاد می‌کند.
۷. تعجب در زبان عربی ممکن است از مفهوم تعجب به مفاهیم دیگری نیز تعددی کند که این مفاهیم عبارتند از: حکمت و نصیحت؛ مانند:
- «ما أجمل الدين و الدنيا إذا اجتماعاً وأقبح الكفر و الإفلاس بالرجل»
(ابوالعتاهیه، ۱۹۸۶م: ۳۳۶).

۸. وجه تمایز تکواژ «ما» با «What» و کاربردهای اختصاصی آن در زبان عربی

واژه «ما» در زبان عربی کاربردهای ذیل را نیز دارد:

۱-۸. مای «شرط»

این «ما» به تنهایی و با چسبیدن به برخی ادوات شرط استفاده می‌شود (ر.ک: عباس حسن، ج ۱: ۳۵۴)؛ مانند مثال‌های ذیل:

«ما تقرأ أقراً»	کیفا تقرأ اقراً
متی ما تقرأ اقراً	کلما تقرأ اقراً
حيثما تقرأ اقراً	أيما ما تقرأ اقراً

(حمیدالبیاتی، ۲۰۰۳م: ۳۰۶).

۲-۸. پیشوند منفی ساز

همان گونه که در کتاب *الآشباه و النظائر* آمده، أم‌الباب و ادات اصلی نفی در زبان عربی، «ما» نافیه است و نفی با آن تأکید بیشتری دارد (ر.ک: عباس حسن، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۳) و در واقع، کار «لیس»، «افعال to be حال منفی» است و در اصطلاح نحوی، به این «ما»، «مای نافیه حجازی» گفته می‌شود که از مثال‌های قرآنی آن می‌توان به آیه ۳۱ سوره یوسف اشاره نمود که می‌فرماید: ﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾.

۳-۸. «ما»ی زائده

این نوع از تکواژ به فراوانی بعد از «إِذَا»ی شرطیه به کار می‌رود؛ مانند: «إِذَا مَا الْمَجْدُ نَادَانَا عَجَبْنَا» (همان: ۳۵۳). همچنین، بعد از حروف جرّ «بِ، عَنْ، مِنْ» واقع می‌شود؛ مانند آیه شریفه ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾ (آل عمران / ۱۵۹).

۴-۸. «ما»ی کافه

این «ما» پس از حروف مشبّهة بالفعل، حرف «رُبَّ» و سه فعل «قَلَّ، كَثُرَ، نَدَرَ» به کار می‌رود (ر.ک؛ عباس حسن، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۴).

۵-۸. «ما»ی مصدری

مای مصدری فعل پس از خود را تبدیل به مصدر می‌کند؛ مانند آیه کریمه ﴿وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ﴾ (آل عمران / ۱۱۸).

۹. نتیجه‌گیری

در این پژوهش نکات ذیل به دست آمد:

۱. دو تکواژ «What» و «ما» در دو زبان عربی و انگلیسی سه کاربرد عمومی و مشترک دارند که عبارتند از: استفهام، موصول و تعجب.

نام کاربرد	زمینه‌های کاربرد
استفهام (Interrogative)	۱. هر دو برای استفهام از غیرعاقل، صفت و متعلقات عاقل به کار می‌روند. ۲. هر دو تکواژ برای درخواست دوباره یک اطلاعات به کار می‌روند. ۳. هر دو در خواست به یک فعالیت یا پیشنهاد آن استفاده می‌شوند. ۴. معنی استفهام در هر دو تکواژ ممکن است به تعجب یا شگفت‌زدگی تبدیل شوند.
موصول	۱. هر دو هم در ابتدا و وسط جمله به کار می‌روند.

<p>۲. هر دو در تنظیم عنوان‌ها، ابواب و فصول کتاب‌ها استفاده می‌شوند. ۳. هر دو تکواژ برای غیرعاقل به کار می‌روند. ۴. تکواژ «What» در زبان انگلیسی با لواحق استفاده می‌شود، اما معادل عربی آن (= ما) لواحق ندارد.</p>	<p>(Relative)</p>
<p>۱. هر دو تکواژ برای مفهوم تعجب به کار می‌روند. ۲. هر دو صدارت طلب هستند. ۳. تعجب می‌تواند برای اشیاء و اشخاص باشد.</p>	<p>تعجب (Exclamation)</p>

۲. معادل‌های دقیق این دو تکواژ به شرح جدول ذیل می‌باشد:

تعجب	موصول	استفهام
<p>ما + أفعال + أفعل بِـ = What a</p>	<p>ما = What مهما = Whatever</p>	<p>ما = What ماذا = What + main verb ماذا لو = What + with بِمِ أَوْ بِمَاذَا = What + with ماذا أيضا = What else</p>

۳. وجه تمایز تکواژ «ما» نسبت به «What»، ورود به فضاهای معنایی جدیدتر و متفاوت‌تری همچون «نفی»، «زائد بودن»، «کافه» و «مصدر»ی است.
 ۴. از مهم‌ترین مشکلاتی که زبان‌آموز در یادگیری تطبیقی این دو مفهوم با آن روبه‌رو است، گستردگی بالای مفهوم این دو تکواژ است؛ چراکه گاهی میان دو یا سه کاربرد ابهام به‌وجود می‌آید. این مشکل زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که تکواژ عربی «ما» کاربردهای زبانی متعدد و مختلفی را پیدا می‌کند. بنابراین، زبان‌آموز باید در آموزش دقیق و تطبیقی این دو مفهوم و تکواژهای آن دقت نماید و روشی درست را در پیش گیرد و به نظر می‌رسد که آموزش تطبیقی تکواژهای استفهامی به صورت مجزا و تطبیقی راه حلی مناسب در رفع این مشکل است.

۱۰. منابع

قرآن کریم.

- ابن عصفور، علی بن مؤمن. (۱۹۸۹م). *شرح جمل الزجاجی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن عقیل، عبدالله. (۱۹۹۲م). *شرح ابن عقیل*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۹۸۴م). *قطر النداء*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- _____ . (۱۹۹۷م). *أوضح المسالك*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن عییش، ابوالبقاء. (۲۰۰۲م). *شرح المفصل*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- أبو الرّب، محمد. (۲۰۰۵م). *الأخطاء اللغویة فی ضوء علم اللغة التّطبیقیة*. قاهره: دارالمعارف.
- ابوالعتاهیه، اسماعیل بن قاسم. (۲۰۰۰م). *دیوان ابوالعتاهیه*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بعلبکی، منیر. (۱۹۹۸م). *المورد*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حطیئة، جرول بن أوس. (۱۹۸۵م). *دیوان الحطیئة*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حمید البیاتی، سناء. (۲۰۰۳م). *قواعد النحو العربیة فی ضوء نظریة النظم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- طرّفة بن العبد. (۱۹۸۵م). *دیوان*. بیروت - لبنان: چاپ دار صادر.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۹۹۰م). *الأشیاء والنظائر*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- عباس، حسن. (بی تا). *النحو الوافی*. القاهرة: دارالمعارف.
- غلابینی، مصطفی. (۱۹۹۵م). *جامع الدروس العربیة*. بیروت: دارالثقافة.
- Thomson, Audrey Jean. & Agnes.V. Martinet. (2003). *A Practical English Grammar*. Oxford: Oxford University.
- Downing, Angela & Philip Locke. (2006). *English Grammar: A University Course*. 2th Ed. London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Geoffrey, Leech & Jan Suratvik. (2002). *A Communicative Grammar of English*. London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Shakespeare, William. (2010). *Hamlet*. Nakladatel: Cooboo.
- Raymond, Murphy. (2012). *English Grammar in Use*. Cambridge: Cambridge University Press.